

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده : محمود شاداب
۲۸ جولای ۲۰۱۸

[از سبو نریزد]

از رویت ای نکورو این آبرو نریزد
از کاکلت الهی یک تار مو نریزد
لب های باده نوشان خشکست ای حریفان
از شیشه تا به ساغرمی از سبو نریزد
گردد به دورت ای مه هوشدار بی طمع نیست
کس آبروی خود را بی آبرو نریزد
تعمیر این جهان را دیدیم بی ثبات است
این آسمان خراشت ترسم فرو نریزد
این دل قکهنه من چرکین شدست یاران
بسیار پوده گشته ، در شست و شو نریزد
سالک ز پیر فیضی، نگرفته خشک و خالیست
ناگشته پر ز در ، آب از سبو نریزد
هستم گدای مضطر، ای عشقوری درین شهر
بر دامنم قرانی از هیچ سو نریزد